

عنوان مقاله:

بررسی سیاست بغداد در مقابل علاءالدین تکش و سلطان محمدخوارزمشاه

محل انتشار:

دومین کنفرانس بین المللی علوم انسانی با رویکرد بومی - اسلامی و با تاکید بر پژوهش های نوین (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسندگان:

فریبا فیروزی قراقلو - دانش اموخته کارشناسی ارشد، رشته تاریخ، گرایش تاریخ ایران دوره اسلامی.

حسین آلیاری - دانشیار، گروه مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

خلاصه مقاله:

تحقیق حاضر در مورد ((بررسی سیاست بغداد در مورد علاء الدین تکش و سلطان محمد خوارزمشاه)) (می باشد . در زمان تکش منطقه خراسان ، ری و عراق عجم ، یعنی آخرین میراث سلجوقی به دست خوارزمشاهیان افتاد. غلبه تکش بر میراث سلجوقی، نارضایتی خلیفه بغداد (الناصر الدین بالله) را به دنبال خود داشت که اثر این ناخرسندی و عواقب آن، بعدها دامنگیرمحمد بن تکش شد. با درگذشت علاءالدین تکش رمضان 596 ق / ژوین 1200 م پسرش محمد خود را علاءالدین محمد خواند و به این ترتیب سلطان محمد خوارزمشاه شد . در طی همان ایامی که محمد خوارزمشاه قدرت خود را در نواحی شرقی مرزهای ماوراءالنهر گسترش می داد و خلیفه بغداد الناصر الدین بالله برای مقابله با توسعه قدرت او در جبال و عراق سرگرم - - توطیه بود. در آن سوی مرزهای شرقی قلمرو خوارزمشاهیان، قدرت نو خاسته ای در حال طلوع بود ؛ مغولان که در آن ایام با ایجاد اتحادیه ای از طوایف بدوی یا بدوی گونه، خود را برای حرکت به سوی ماوراءالنهر آماده می ساختند، اهمیت و قدرتشان در معادلات و مجادلات سیاسی سلطان خوارزمشاه و خلیفه بغداد، نه تنها جایگاهی پیدا نکرد بلکه به حساب هم آورده نشد . در نتیجه فاجعه عظیمی که تدارک دیده می شد، از دید دو قدرت و نیروی مهم آن پوشیده ماند آنچه باقی ماند، ویرانی، تباهی، کشتارهای دسته جمعی، روحیه تباه شد . دستاوردهای دولت خوارزمشاهی که با سعی و کوشش بنیانگذاران آن که می توانست آینده بهتری را برای ایران زمین و تمدن اسلامی رقم زند، در استبداد مطلق، ماجراجوییهای شاهانه و تنگ نظریهای مذهبی و سیاسی، رنگ باخت و تباهی را نصیب مجریان، کارگزاران، کارگردانان و از همه مهم تر مردم محروم نمود

کلمات کلیدی:

علاءالدین تکش ، سلطان محمد خوارزمشاه ، الناصر الدین بالله ، مغولان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/649973>

